

پژوهشهای حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۱

هزار و سیصد و نود و هفت - نیمسال اول (دوفصلنامه)

• تأملی بر جرم‌انگاری استفاده از سلاح‌های شیمیایی و صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به این جنایت با نگاهی به جنگ عراق و ایران

۵

دکتر مهدی عبدالمالکی - دکتر سید قاسم زمانی

۳۵

بررسی جرم‌شناختی خشونت تماشاگران فوتبال

مجید آقایی - دکتر علی صفاری

سنجش اثربخشی نقش‌گذاری روانی بر کاهش پرخاشگری کودکان (استفاده از نقش‌گذاری روانی به جای سازوکارهای کلاسیک مجازات رفتارهای خشونت‌آمیز)

۶۹

دکتر محمد آشوری - المیرا سلیمانی سواد رودباری

۱۰۵

امور فوری در دادرسی کیفری

دکتر منصور رحمدل

۱۳۱

سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات‌های جایگزین حبس

دکتر حسین غلامی - داود خاکسار

۱۶۱

رابطه حاشیه‌نشینی با ارتکاب جرم در شهر کرمانشاه (مورد مطالعه: منطقه حاشیه‌نشین دولت‌آباد کرمانشاه در سال ۱۳۹۳)

دکتر تهمورث بشیریه - محمدسعید مظفری

۱۹۱

کاربست جرم‌شناسی فرهنگی در تحلیل بزهکاری کودکان و نوجوانان با تکیه بر مفاهیم کارناوال، آدرنالین و زندگی دوم

دکتر سارا آقایی





http://jcl.ac.ir/article_66830.html

رابطه حاشیه‌نشینی با ارتکاب جرم در شهر کرمانشاه

(مورد مطالعه: منطقه حاشیه‌نشین

دولت آباد کرمانشاه در سال ۱۳۹۳)

دکتر تهمورث بشیری* - محمدسعید مظفری**

چکیده:

حاشیه‌نشینی، بخشی از توسعه شهری است که بدون برنامه‌ریزی و کنترل مقررات شهرسازی توسط افشار کم‌درآمد و مهاجران روستایی ایجاد می‌شود. نرخ جرایم به علت تراکم بالای جمعیت، فقر فزاینده، شکستگی ساختارها و ایجاد گسست اجتماعی و رهایی افراد از فشار افکار عمومی و کنترل رسمی، بالا ارزیابی می‌شود. این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، پیمایشی با استفاده از پرسش‌نامه بوده و هدف از انجام آن بررسی رابطه حاشیه‌نشینی با جرم است. حجم نمونه در این پژوهش برابر با ۱۷۱ نفر از ساکنین محله حاشیه‌ای دولت‌آباد شهر کرمانشاه است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده و پایایی پرسش‌نامه به روش آزمون آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۳ محاسبه گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس ماهیت داده‌ها و شیوه بیان فرضیات در قالب آزمون‌های تی تک نمونه‌ای و آزمون ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهند ارتباط معناداری بین حاشیه‌نشینی و جرم وجود دارد و میانگین نابسامانی خانواده، محل سکونت و توجیه اعمال مجرمانه بالا و سطح اعتقاد به هنجارها پایین می‌باشد.

کلیدواژه‌ها:

حاشیه‌نشینی، توجیه جرم، نابسامانی.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۱، نیمسال اول ۱۳۹۷
صفحه ۱۶۱-۱۹۰، تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۴/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۳

* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسؤول
** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
Email: t.bashiriyeh@atu.ac.ir
Email: saeedmozafari866@gmail.com

مقدمه

حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه به سکونت در محلات فقیرنشین اطلاق می‌شود که اطراف شهرهای بزرگ ایجاد می‌شوند. در این میان رشد انفجاری مناطق حاشیه‌نشین موجب بروز بحران‌های بسیاری از جمله ناامنی برای ساکنین این مناطق شده و مشکلات عدیده‌ای را برای شهروندان به همراه داشته است که مهم‌ترین آنها وقوع جرم و جنایت و بحران‌های امنیتی برای شهر می‌باشد.^۱ پدیده حاشیه‌نشینی، ریشه در تاریخ اجتماعی انسان‌ها دارد و تبلور آن در قالب گتوهای نژادی - مذهبی بوده است و در جوامع کهن سال از آن تحت عنوان سکونتگاه‌های فقیر نام برده‌اند. این پدیده به مفهوم امروزین، نخست در کشورهای صنعتی همراه با رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستائیان به شهرها به وجود آمد و سپس در کشورهای در حال توسعه نیز به دنبال برنامه‌های استعماری کشورهای صنعتی و نفوذ و اشاعه فرهنگ و تکنولوژی آنان در این کشورها شروع به رشد و توسعه نموده است. افزایش لجام‌گسیخته جمعیت شهرنشین و وجود حاشیه‌نشینی باعث افزایش گرایش به مادی‌گرایی، کج‌روی، بی‌عاطفگی و بروز بزهکاری می‌گردد و از آنجا که در شهرها افراد شناختی از یکدیگر ندارند و در نتیجه کنترل و نظارت اجتماعی بر عملکرد آنان از میان رفته است موجب شکل‌گیری نابهنجاری اجتماعی می‌گردد. میزان جرایم شهری با توسعه شهرها و افزایش جمعیت ارتباط مستقیم دارد. به همین خاطر شاهد شکل‌گیری نقاطی مستعد پیرامون کلان‌شهرها می‌باشیم که به عنوان بهترین پایگاه شکل‌گیری و ترویج ناهنجاری اجتماعی شناخته می‌شود. بدین ترتیب حاشیه‌نشینی به عنوان بستری برای ارتکاب جرایم، مورد توجه برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است.^۲ در ایران نیز پیدایش نخستین اجتماعات آلونک‌نشینی مربوط به سال ۱۳۱۱ در شهر تهران می‌باشد اما رشد و گسترش اجتماعات آلونک‌نشین به بعد از کودتای ۲۸ مرداد به خصوص از سال ۱۳۳۵ به این طرف برمی‌گردد. نخستین اجتماعات حاشیه‌نشین در جنوب شهر تهران تمرکز یافتند. بر این اساس رشد حاشیه‌نشینی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ابتدا از تهران شروع شده است. گسترش تأسیسات شهری و شبکه‌های ارتباطی و همچنین افزایش درآمد حاصل از نفت موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه‌های شهری گردید و از سوی دیگر اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون، دافعه‌های روستایی

۱. پیران، «شهرنشینی شتابان و ناهمگون»، ۲۵.

۲. خاتم، اطهاری، «مدیریت یکپارچه و حل مسئله اسکان غیر رسمی»، ۳۵.

را تشدید نمود که تا به امروز به حیات خود ادامه داده است. به دنبال شکل‌گیری مناطق و محله حاشیه‌نشین مسائل و مشکلات متعددی دامن‌گیر شهرها می‌شود گرچه ممکن است این مشکلات به طور مستقیم از شکل‌گیری این مناطق و محله‌ها منتج نباشد ولی در واقع اثرات غیرمستقیمی هستند که حاشیه‌نشینی به وجود آورنده و یا تشدیدکننده آنها می‌باشد. اشتغال ساکنان این محله‌ها در مشاغل غیر رسمی و کاذب به خاطر وجود ساخت‌وسازهای غیرمجاز، اختلال در نظام شبکه‌های ترافیکی شهر و خلاصه اثرات نامطلوب این مناطق بر ارائه بهینه خدمات و امنیت شهری در سطح محله و حتی کل سیستم شهری از جمله آثار نامطلوب و مخرب حاشیه‌نشینی می‌باشد که برای مدیریت شهری مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌نماید.

در کل، حاشیه‌نشینی اثرات نامطلوب بسیاری به همراه دارد که همان‌طور که اشاره شد از مهم‌ترین آنها ناامنی و احساس خطر و عدم آسایش برای ساکنان این مناطق و ساکنان پیرامون آن است.^۳ یکی از پدیده‌های همزاد شهرنشینی شتابان، رشد و گسترش حاشیه‌نشینی بوده است که قارچ‌گونه در اطراف شهرهای بزرگ تکثیر یافته است.^۴ هرچند پرداختن به حاشیه‌نشینی در سنت جامعه‌شناسی غرب به ظهور مکتب شیکاگو در اوایل قرن بیستم برمی‌گردد و پیش از آن ابن‌خلدون به صورت گذرا به بحث مهاجرت روستائیان و عدم توان سکونت در متن اصلی شهر و رانده شدن به حاشیه اشاره کرده است. پس از انقلاب صنعتی و به تبع آن انفجار شهرهای دنیای مدرن است که این موضوع تبدیل به مسئله‌ای اجتماعی شده است. حاشیه‌ها از یک سو می‌توانند تهدیدها و مسائلی برای نظام شهری ایجاد کنند و از سوی دیگر زندگی حاشیه‌ای، می‌تواند مسائل و مشکلات عدیده‌ای برای ساکنان این مناطق به دنبال داشته باشد.^۵ بنا بر گزارش سال ۲۰۱۵ مرکز اسکان بشر ملل، در سال ۱۹۹۰ حدود ۵۰ درصد از جمعیت کشورهای در حال توسعه با درآمد کمتر از روزانه یک دلار و بیست و پنج سنت زندگی می‌کردند و فاقد دسترسی به بهداشت، آب و سرپناه بودند. با وجود اینکه این آمار در سال ۲۰۱۵ کمی بهبود یافته است، اما فقر همچنان از مشکلات اصلی این جوامع محسوب می‌گردد. همچنین کمیسیون جهانی آینده شهرها در قرن بیست و یکم، هشدار داده که به موازات رشد ابرشهرها فقر شهری در حال افزایش است و بخش عمده‌ای از رشد

۳. دهقان، «بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی آلونک‌نشینان»، ۳۳.

۴. نقدی، «حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی»، ۱۹۱.

۵. همان، ۴۶.

شهرنشینی بر پایه اقتصاد غیر رسمی و همراه با گسترش سکونتگاه‌های غیر رسمی، صورت خواهد گرفت؛ بنابراین حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی، مسئله‌ای گذرا و محدود نبوده و حاکی از عدم کفایت راه‌حل‌ها و سیاست‌های متداول شهری است و رهیافت‌ها و اقدامات نوینی را می‌طلبد.^۶ در ایران پس از ورود و استقرار سرمایه‌داری وابسته، پدیده حاشیه‌نشینی به وجود آمد و رشد آن عمدتاً از سال ۱۳۲۰ به بعد شدت یافت. به طوری که در حال حاضر حاشیه‌ها حجم زیادی از جمعیت شهری کشور یعنی حدود ۱۰ الی ۱۲ میلیون نفر را در خود جای داده‌اند.^۷ در کلان‌شهر کرمانشاه نیز با توجه به جمعیت فراوان، ویژگی‌های اجتماعی، قومی و اقتصادی سکنه سبب شده است تا حاشیه‌نشینی، وضعیت ویژه‌ای پیدا کند که مطالعه مسائل آن می‌تواند به مدیریت یکی از حاشیه‌های کشور کمک کند که خود در حد یک شهر کوچک جمعیت دارد. با توجه به گسترش روزافزون جمعیت مناطق حاشیه‌نشین کشور به دلیل گرانی و کمبود مسکن و مهاجرت بی‌رویه و بدون برنامه‌ریزی روستائیان به شهرها و عدم حمایت مؤثر و برنامه‌ریزی دولت در این راستا و همچنین پرجمعیت‌تر شدن روزافزون این مناطق در شهر کرمانشاه، انجام چنین تحقیقی ضرورت دارد. ضمن اینکه مرزی بودن این شهر و وقوع جرایم علیه امنیت کشور (خرید و فروش سلاح توسط افراد و گروه‌های مختلف) و جرایم علیه آسایش عمومی (خرید و فروش اسکناس تقلبی) که به طور مستقیم بر امنیت ملی تأثیرگذار است و عدم انجام هیچ‌گونه تحقیقی بر روی این مناطق، بیش از پیش بر اهمیت انجام این پژوهش می‌افزاید. هدف کلی این مقاله، بررسی رابطه بین حاشیه‌نشینی و جرم در کلان‌شهر کرمانشاه با بررسی ابعاد زندگی حاشیه‌نشینان در منطقه حاشیه‌نشین دولت‌آباد و اهداف جزئی آن، بررسی وضعیت اعتقاد به هنجارها، وضعیت نابسامانی خانواده، وضعیت توجیه اعمال مجرمانه، وضعیت نابسامانی محل سکونت، رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی در مناطق حاشیه‌نشین با متغیرهای آن و راهکارهای جلوگیری از ناامنی و برقراری امنیت و آسایش در این مناطق می‌باشد.

همچنین بررسی سابقه محکومیت ساکنین منطقه دولت‌آباد کرمانشاه با متغیرهای اعتقاد به هنجارها، نابسامانی خانواده، توجیه اعمال مجرمانه و نابسامانی محل سکونت از موضوعات این پژوهش به شمار می‌روند.

۶. صرافی، «به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیر رسمی»، ۹۱.

۷. زاهدانی، «حاشیه‌نشینی»، ۱۷.

سوالات پژوهش

- اعتقاد به هنجارها در بین حاشیه‌نشینان به چه میزانی است؟
- نابسامانی خانواده در بین حاشیه‌نشینان در چه وضعیتی است؟
- توجیه اعمال مجرمانه در بین حاشیه‌نشینان در چه حدی می‌باشد؟
- نابسامانی محل سکونت در بین حاشیه‌نشینان چگونه است؟
- رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی حاشیه‌نشینان و توجیه اعمال مجرمانه چگونه است؟
- رابطه سابقه محکومیت ساکنین مناطق حاشیه‌نشین با متغیرهای: اعتقاد به هنجارها، نابسامانی خانواده، توجیه اعمال مجرمانه، نابسامانی محل سکونت به چه نحوی است؟

فرضیات پژوهش

به نظر می‌رسد:

- اعتقاد به هنجارها در بین حاشیه‌نشینان پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد؛
- نابسامانی خانواده در بین حاشیه‌نشینان بالاتر از حد متوسط می‌باشد؛
- توجیه اعمال مجرمانه در بین حاشیه‌نشینان بالاتر از حد متوسط می‌باشد؛
- نابسامانی محل سکونت در بین حاشیه‌نشینان بالاتر از حد متوسط می‌باشد؛
- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی حاشیه‌نشینان و توجیه اعمال مجرمانه رابطه وجود دارد؛
- بین سابقه محکومیت ساکنین مناطق حاشیه‌نشین با متغیرهای اعتقاد به هنجارها، نابسامانی خانواده، توجیه اعمال مجرمانه و نابسامانی محل سکونت رابطه وجود دارد. منظور از حد متوسط میزان و معیاری است که در طیف لیکرت قرار گرفته و پرسش‌نامه بر اساس آن تنظیم گردیده است. بدین ترتیب نقاط قبل از حد متوسط، دارای ارزیابی پایین و نقاط بعد از حد متوسط، دارای ارزیابی بالا می‌باشند.

تعاریف و مفاهیم

۱-۱- حاشیه‌نشینی

زاغه‌نشینی، آونک‌نشینی، کپرنشینی و ... که مفهوم کلی‌تر «حاشیه‌نشینی» را برای آن به کار

می‌برند، پدیده‌ای است که در سال‌های گذشته در شهرها پدیدار شده است و به طور کلی ناشی از تحولات اجتماعی و اقتصادی و روند شهرنشینی و شهرگرایی ناهمگون به شمار می‌آید.

حاشیه‌نشینی به معنای اعم، شامل سکونت تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند، ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند.^۸ حاشیه‌نشینان، کسانی هستند که در سکونتگاه‌های غیرمتعارف نسبت به ساکنین بافت اصلی شهر، زندگی می‌کنند. گروه‌های مزبور بیشتر بر اثر نیروی دافعه خاستگاه، چون فقر و بیکاری و ...، از زادگاه خود رانده شده و به شهرها روی آورده‌اند و از آنجا که اکثریت این گروه‌ها بی‌سواد هستند و مهارتی در جهت جذب در بازار کار شهر ندارند، عامل پسران شهری نیز آنان را به حاشیه کشانده است.^۹ حاشیه‌نشینان، بیشتر افراد مهاجر روستایی و عشایر و کمتر شهری (از شهرهای دیگر یا خود شهر) هستند که اغلب فاقد مهارت لازم و بعضاً ماهرند. این افراد بیشتر به علت عوامل رانش، زادگاه خود و کمتر به دلیل عوامل جذب شهری، زادگاه خود را ترک کرده و به شهرها روی می‌آورند. آنان به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو و بر اثر عوامل پسران شهری از سوی دیگر، از حیطه‌های شهری پس زده می‌شوند و به تدریج در کانون‌های بهم‌پیوسته و یا جدا از یکدیگر، در قسمت‌هایی از شهر سکنا می‌گزینند، به صورتی که محل سکونت و مسکن آنها با محل سکونت متعارف شهری، مغایر است. همچنین حاشیه‌نشینان از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی نیز با موقعیت شهری تمایز دارند.^{۱۰} در تعریفی دیگر، حاشیه‌نشینی به نوعی اسکان گفته می‌شود که افرادی بدون اجازه و یا پرداخت اجاره‌بها، مکانی را اشغال کرده و آن را پناهگاه خویش قرار داده‌اند. این تعریف فقط به جنبه فیزیکی حاشیه‌نشینی پرداخته و تصرف عدوانی را لازمه حاشیه‌نشینی دانسته است.^{۱۱} حاشیه‌نشینان گروه‌های اجتماعی هستند که در شهرها پدید می‌آیند. حاشیه‌نشینان شهری معمولاً بر سر دوراهی مرحله گذار اجتماعی هستند. به این صورت که اولاً، کسانی که وارد شهر می‌شوند به مسکن موقت احتیاج دارند. این افراد که از نظر اقتصادی و اجتماعی از روستاها رانده شده‌اند

۸. عابدین درکوش، *درآمدی بر اقتصاد شهری*، ۱۰۸.

۹. محسنی، «مطالعه و بررسی مناطق حاشیه‌نشین و توانمندسازی آن در شهر گرگان»، ۲۰.

۱۰. زاهدانی، پیشین، ۲۱.

۱۱. شکوهی، «جغرافیای اجتماعی شهرها»، ۵۸.

به علت کمی دستمزد و دیگر موارد اجتماعی در شهر، حاشیه‌نشین می‌شوند.^{۱۲} تصویری که «چارلز آبرامز»^{۱۳} از حاشیه‌نشینی ارائه می‌دهد ساختمان و یا بخشی از شهر است که در آن ویرانی، نارسایی عرصه خدمات درمانی، تراکم جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوارض طبیعی دیده می‌شود.^{۱۴}

«پی فول»^{۱۵} معتقد است که مناطق دارای نرخ بالای بزهکاری از ویژگی‌های خاصی چون بی‌ثباتی جمعیت، تنوع نژادی، جابه‌جایی مکانی رو به تزاید و فقر اقتصادی برخوردار می‌باشند.^{۱۶} «پارک»^{۱۷} از بین رفتن همبستگی‌های محلی و تضعیف موانع و مناهمی گروه اولیه زیر نفوذ محیط شهری را تا حد زیادی عامل افزایش جرم و جنایت در شهرهای بزرگ می‌داند.^{۱۸} «پارک» انسان حاشیه‌نشین را شخصیتی می‌داند که از برخورد یا پیوند دو یا چند نظام فرهنگی متفاوت و احياناً متخاصم ظهور می‌نماید. به نظر پارک، چنین موجود دورگه‌ای در زمان واحد نسبت به هر دو نظام، احساس همبستگی و تعلق دارد، ولی در عین حال خود را نسبت به هیچ‌کدام، کاملاً متعلق و متمایل نمی‌داند.^{۱۹}

۱-۲- حاشیه‌نشینی و جرم

در سال ۱۸۷۶ میلادی کتاب مشهور «سزار لومبروزو»^{۲۰} پزشک معروف ایتالیایی تحت عنوان انسان جنایتکار منتشر شد. لومبروزو در این کتاب تیپ مجرمانه‌ای ترسیم و اوصاف و خصوصیات غیرعادی که در بزهکاران بود را دسته‌بندی کرد. وی عقیده به مجرم مادرزادی یا بزهکاری بالفطره داشت که به نظر او این افراد به وسیله نشانه‌هایی قابل شناسایی بودند. این نظریه تأثیر عوامل خارجی، محلی از اعراب نداشت و مدنظر واقع نشده بود. از همان دوران، این نظریه مورد اعتراض و انتقاد جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان واقع شد تا جایی که حتی خود لومبروزو در چاپ سوم کتاب خویش نسبت به تعدیل نظریات خود اقدام کرد و

۱۲. افتخاری‌راد، «چهره‌نمایی بافت‌های اسکان غیر رسمی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن»، ۱۰.

۱۳. افتخاری‌راد، پیشین، ۱۰.

۱۴. شکوهی، پیشین، ۷۳.

15. Pfohl.

۱۶. رفیع‌پور، توسعه و تضاد، ۶۲.

17. Robert Ezra Park (1864-1944).

۱۸. هادی‌زاده، حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، ۴۸.

۱۹. احمدیان، «حاشیه‌نشینی، ریشه‌ها و راه‌حل‌ها»، ۷۹.

20. Cesare Lombroso (1835-1909).

اظهار داشت که حدود ۳۵ درصد مجرمین دارای این اوصاف فیزیکی هستند.^{۲۱} بعد از لومبروزو، افراد دیگری همچون «دورکیم»^{۲۲}، «ساترلند»^{۲۳}، «پارک»، «مرتن»^{۲۴} و ... نظریات مختلفی ارائه و تحقیقات زیادی در مورد جرم، بزهکاری و محیط انجام داده‌اند. چیزی که باعث شد نظریات لومبروزو اعتبار خود را از دست دهد، افزایش بزهکاری در حاشیه‌های شهر و تفاوت فاحش آن با مرکز شهر بود. گرچه حاشیه‌نشینان بالفطره آسیب‌زا و منحرف نیستند، ولی شرایط و موقعیت جغرافیایی ایجاب می‌کند تا برای منحرفین، منطقه اخلاقی و فرهنگی خاصی ایجاد شود و همین موضوع، بهانه‌ای است تا نظریه «لومبروزو» که محیط را در وقوع جرم بی‌تأثیر می‌دانست، از ارزش بیفتد و همان‌طور که «مارشال کلینارد»^{۲۵} می‌گوید: منشأ عمده بزهکاری و جرم، حاشیه‌نشینی و مسائل شهری است. هرچند این مطالب صرفاً مربوط به شهر شیکاگوی آمریکاست و لزوماً عمومیت ندارد.

در واقع حاشیه‌نشینی به عنوان یک نقطه از شهر که بر اساس موقعیت اقتصادی جدا می‌شود، بازتابی از خانواده تهی‌دست و غالباً مهاجری هستند که به تعبیر «اسکار لوئیس»^{۲۶}، در نوعی فرهنگ فقر زندگی می‌کند. افرادی که در حاشیه شهرها ساکن هستند، بیشتر به علت عوامل رانش زادگاه، یعنی فقر و بیکاری زادگاه خود را ترک کرده و به امید زندگی بهتر، به شهر جذب می‌شوند ولی به دلیل فقدان تخصص صنفی و نبود بنیان‌های مالی توانمند و طبقه و فرهنگ اجتماعی متناسب با طبقات و فرهنگ متعارف و لازم شهری در حاشیه واقع می‌شوند.^{۲۷} در مراحل اولیه بعد از مهاجرت، بازتاب زندگی شهری به عینه بودن نموده‌های رفاهی طبقات مرفه، احساس تبعیض را در نهاد آنان به وجود می‌آورد که سطح انتظار آنان را بالا می‌برد و آنان را به سمتی می‌کشاند که در جستجوی آن برآیند، در این راه آنان نه تخصص دارند، نه سرمایه و نه توان. تنها یک راه‌حل برای آنها باقی می‌ماند و آن چیزی نیست جز تخلف از مقررات قانونی. در واقع در حاشیه قرار گرفتن، خود خرده‌فرهنگ‌های مختلفی را تسری می‌دهد که یکی از آنها خرده‌فرهنگ بزهکاری یا جرم است، از این روست که حاشیه‌نشینی مترادف با آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است. برخورد هنجارها نیز در

۲۱. رضایی، «تحولات شهر و شهرنشینی در کرمانشاه با تأکید بر حاشیه‌نشینی»، ۶۰.

22. David Émile Durkheim (1858-1917).

23. Edwin Hardin Sutherland (1883-1950).

24. Robert King Merton (1910-2003).

25. Marshall Clinard (1911-2010).

26. Oscar Lewis (1914-1970).

۲۷. سروری، «بررسی علل رشد حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی در شهرستان مشهد»، ۳۲.

خرده‌فرهنگ‌های متفاوت شرایط را برای رفتار بزهکارانه آماده می‌سازد که بر رویارویی خرده‌فرهنگ‌های مختلف، معمولاً خرده‌فرهنگ‌های ساکنین مناطق حاشیه‌نشین که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین برخوردار هستند با فرهنگ عمومی کلان‌شهرها در تضاد قرار می‌گیرند. این خرده‌فرهنگ‌ها مجموعه جدیدی از هنجارهایی را آماده می‌کند که می‌تواند افراد حاشیه‌نشین را که از طبقات پایین جامعه هستند، برای رفتار بزهکارانه تحریک کند. جوانان حاشیه‌نشین مانند جوانان طبقات متوسط شهری تربیت نمی‌شوند، بنابراین آمادگی لازم برای حل مشکلات بر اساس هنجارهای مسلط جامعه را ندارند و از روش‌های غیرقانونی استفاده می‌کنند و مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند. در واقع انسان حاشیه‌نشین شخصیتی است که از حاصل پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و گاهی متخاصم ظهور می‌کند. چنین موجود دورگه‌ای در زمان واحد نسبت به هر دو نظام فرهنگی احساس وابستگی و تعلق دارد، ولی در عین حال خود را نسبت به هیچ‌کدام متعلق و متمایل نمی‌داند. از نظر «میشل فوکو»^{۲۸} نیز حاشیه‌نشینی بازگوکننده وضعیت گروه‌ها و افرادی است که از نظر حلقه فعال و اصلی یک جامعه رانده شده‌اند و به عنوان دیگری مورد توجه قرار می‌گیرند. لذا در پیکره یک اجتماع انسانی شهری، ما شاهد وضعیت زیست متنی و زیست حاشیه‌ای هستیم؛ به عبارت دیگر گروه‌ها و طبقاتی که مسلط بر منافع کمیاب اجتماعی شهری‌اند به موقعیت زیست متنی دست می‌یابند و در حیات جمعی نقش سوژگی ایفاء می‌کنند. این خود مستلزم به حاشیه رانده‌شدگی گروه‌ها و طبقاتی است که در زیست حاشیه به سر می‌برند و در گسترش فعالیت‌های شهری نقش نیمه‌فعال یا غیرفعال دارند. شاید همه حاشیه‌نشینان با حاشیه‌نشین بودنشان ذاتاً خلاق‌کار نباشند، اما حاشیه‌نشینی ویژگی‌هایی دارد که با قرار گرفتن در آن محیط، زمینه را برای ارتکاب جرم فراهم می‌کند. بنابر نظر «رابرت پارک» جامعه‌شناس آمریکایی، وضعیت حاشیه‌نشینی شرایط یا دنیایی است برزخ‌گونه که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق درمی‌آورد. فرد خود را در شرایطی می‌یابد که در آن، روابط اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی و ملی تا حدودی دستخوش تزلزل شده، ولی روابط و ارزش‌های دیگری هنوز به طور کامل جایگزین آنها نشده است.

به اعتقاد وی تجربه چنین شرایط بحرانی موجب شکل‌گیری شخصیت متمایزی برای فرد می‌شود. در اغلب موارد چنین فردی در برابر برخورد فرهنگ‌ها، حالت کناره‌گیری از خود

نشان می‌دهد و نمی‌تواند در متن جامعه با عقیده راسخ به فعالیت خویش ادامه دهد. به عبارت دیگر، به علت ناباوری نسبت به ارزش‌ها و بیگانگی با موقعیت جدید، فرد از جامعه کناره می‌گیرد و در حالتی معلق در حاشیه اجتماع می‌نشیند. در واقع زمانی که ساختار کلان در توزیع سرمایه با ایجاد نابرابری، برخی از فضاهای منطقه‌ای مثل روستاها و شهرهای کوچک را محروم می‌کند، به خلق پاره‌ای از نظام‌های وابسته، حاشیه‌ای، عقب‌مانده، سکونتگاه‌های غیرقانونی و مهاجر دامن می‌زند. ساکنین این مناطق با پذیرش یا رد اهداف ساختار کلان شهری از راه مناسبات غیرتعریف شده و وسایل غیرقانونی درصدد کسب امتیازاتی هستند که از آنها محروم شده‌اند.^{۲۹} اوصاف عمومی نواحی حاشیه‌نشینی که با جرم و جنایت ملازمه دارد، عبارتند از: چهره نامطلوب شهری، پایین بودن بهداشت عمومی، پایین بودن سلامت روانی و جسمی، فقدان شغل مناسب و درآمد کافی، وجود خرده‌فرهنگ‌های متعدد، تراکم بالای جمعیت، ضعف امکانات رفاهی و آموزشی، گستردگی فقر، گسترش مواد مخدر و اعتیاد، خاستگاه انحرافات و جرایم تبعات منفی حاشیه‌نشینی.^{۳۰}

۲- آسیب‌شناسی اقتصادی «حاشیه‌نشین» و ارتباط آن با جرایم

حاشیه، نقطه بحران یک شهر محسوب می‌شود که بیشترین جمعیت جوان را در خود جای داده است. علی‌رغم اینکه می‌تواند نقطه قوت برای شروع نوعی توسعه اقتصادی و اجتماعی باشد، تبدیل به یکی از نقاط بحرانی شده است. حاشیه‌نشینی یکی از بسترهای وسیع ناهنجاری‌های اجتماعی است که در صورت تداوم می‌تواند یک کشور را با بحران بزرگی روبه‌رو کند. حاشیه‌نشینان در طول سال‌های گذشته نه تنها هیچ‌گاه آن چنان که باید مورد حمایت دولت و گروه‌های سیاسی حاکم قرار نگرفته‌اند، بلکه با تغییر دولت‌ها و مدیریت‌های شهری نیز همچنان با مشکلات بسیاری مواجه بوده‌اند. حاشیه‌نشینی و جرم پیوند نزدیکی با هم دارند و در تحقیقات گوناگون به نقش مهاجرت به عنوان عامل بنیادین شکل‌گیری حاشیه‌نشینی تأکید شده است. حاشیه‌نشینان در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند و در کشورهای در حال توسعه در اطراف شهرهای بزرگ به وجود آمده‌اند و ساکنین این مناطق به علل گوناگون نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی و

۲۹. شیخاوندی، «حاشیه‌نشینی ۲»، ۲۲.

۳۰. صالحی امیری و خدایی، حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی، ۸۳.

اجتماعی شهر شده و از خدمات اقتصادی شهری استفاده نمایند. به طور کلی مناطق حاشیه‌نشین، نه امکانات اقتصادی شهری و نه فرصت‌های سرمایه‌گذاری را دارا هستند. یکی از مسائل مهمی که حاشیه‌نشینی برای شهرهای بزرگ فراهم آورده است تهدید امنیت اقتصادی انسان‌هاست. به طور کلی ساختار مناطق حاشیه‌ای به گونه‌ای است که گروه‌ها و باندهای مافیایی با حضور در آنجا می‌توانند به فعالیت‌های ناپه‌نچار خود بپردازند و فرصت‌های مهم سرمایه‌گذاری اقتصادی را با چالش جدی مواجه سازند.^{۳۱}

۲-۱- وضعیت اقتصادی حاشیه‌نشینان

میزان درآمد حاشیه‌نشینان وضعیت ثابتی نداشته و از نوسان‌های فراوانی پیروی می‌کند. میزان درآمد، شاخص مناسبی برای پی بردن به میزان امکانات آنان نیست و میزان مصرف که در واقع تعیین‌کننده موضع روانی خود آنها نسبت به میزان درآمدشان است، شاخص مطلوب‌تری در این زمینه می‌باشد. اگر حاشیه‌نشینان را به عنوان یک گروه شهری به شمار آوریم، آیا افزایش درآمد شهری به نفع این گروه بوده است؟ و آیا آنها نیز در این افزایش سهم مصرف، از روستائیان پیشی گرفته‌اند یا خیر. کاملاً روشن است که افزایش سهم هزینه‌های مصرفی شهری، در خدمت خانوارهای پردرآمد بوده و برعکس سهم خانوارهای کم‌درآمد رو به کاهش بوده است. با توجه به میزان درآمد، حاشیه‌نشینان قشر پایین طبقه خانوارهای کم‌درآمد شهری را تشکیل می‌دهند؛ از این رو اگر الگوی توزیع درآمد بر کل شهر را در هریک از طبقات شهر، روستا و حاشیه‌نشین ثابت بدانیم، مسلماً میزان کاهش سهم آنها از هزینه‌های مصرفی پایین‌تر از ارقام موجود خواهد بود. ساکنین شهر مسلماً در مقایسه با ساکنین دو نوع سکونتگاه دیگر، از امکانات بیشتری برخوردار بوده‌اند و روند توزیع امکانات به گونه‌ای بوده است که ساکنین شهری، به ویژه طبقه ممتاز شهری، روز به روز از امکانات بیشتری بهره‌مند شده و برعکس ساکنین روستاها و زاغه‌ها در مقایسه با آنها، روز به روز از امکانات کمتری استفاده می‌کرده‌اند.^{۳۲} حاشیه، نقطه بحران است و بالاترین میزان باروری و بیشترین جمعیت جوان در حاشیه است و علی‌رغم اینکه می‌تواند نقطه قوت برای شروع نوعی توسعه اقتصادی و اجتماعی و غیره باشد تبدیل به یکی از نقاط ناامن و بحرانی شده است. با رشد سریع و کنترل‌نشده شهرنشینی که جلوتر از برنامه‌ریزی‌های شهری حرکت می‌کند،

۳۱. مثنوی، «حاشیه‌نشینی، یک معضل اجتماعی»، ۴۶.

۳۲. پیران، پیشین، ۱۲.

شهرها توان جذب جمعیت مازاد خود را که از روستاها، شهرها و مناطق محروم مهاجرت کرده و به آنجا روی آورده‌اند، ندارند و این جمعیت را در حاشیه کلان‌شهرها که زمین ارزان‌تر است و کنترلی بر ساخت‌وسازها صورت نمی‌گیرد به صورت غیر رسمی اسکان می‌دهند. آنچه حاشیه و حاشیه‌نشینی را از تمامی عوامل مطلوب و نامطلوب شهری جدا می‌کند تضاد و تناقض نهفته در حاشیه است؛ زیرا از یک طرف با احتساب حاشیه‌نشینان به عنوان شهروند مجبوریم در حد امکان، امکانات مطلوب زندگی شهری را برای آنها به وجود آوریم که این خود دوباره یک لایه جدید حاشیه‌نشینی در پشت لایه کنونی ایجاد می‌کند و بسیاری تشویق به زندگی در شهر می‌شوند، از طرفی اگر برای وضعیت زندگی و خدمات‌دهی به حاشیه برنامه‌ریزی نکرده و به بهبود زندگی شهری در حاشیه نپردازیم، توسط این حاشیه تهدید خواهیم شد. در حاشیه شهر پدیده حاشیه‌نشینی، نابرابری‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر نسل دوم مهاجران که نسبت به زندگی روستانشینی بیگانه شده‌اند و در حیات شهرنشینی هم هنوز جایی نیافته‌اند، خواسته‌ها و رفتارهای شخصی و شهری پیدا می‌کنند که باعث دشواری‌های سیاسی می‌شود.

افزایش خودکشی، سرقت و ... که بر اثر عدم ناسازگاری جوانان روستایی با فضای شهری به وجود می‌آید، بیانگر این نکته است که سازگاری با زندگی بی‌روح شهری برای انسان بیگانه روستایی بسیار دشوار است.^{۳۳} امروزه مهاجرت روستائیان به شهرها و اهالی شهرهای کوچک به کلان‌شهرها از مهم‌ترین معضلات است که زمینه‌ساز و بسترساز جرایم و آسیب‌های اجتماعی شده است. فرد مهاجر در وهله اول شکل هویتی و شخصیتی پیدا می‌کند و در تکمیل شدن حلقه بی‌هویتی‌اش معضلات اقتصادی، تنگدستی و نداری به کمکش می‌آیند و او را در گردابی خطرناک غوطه‌ور می‌سازد که رهایی از آن برایش ممکن نیست. افراد مهاجر که به ناچار و ناخواسته مجبور هستند در اطراف شهرها حاشیه‌نشین شوند در بدو امر دچار عقده‌های روانی می‌شوند و خود را با افراد و طبقات مرفه جامعه مقایسه می‌کنند که بروز تعارض شخصیتی و نمود تضادهای رفتاری اولین جرقه‌های حرکت آنان به سمت بزهکاری را می‌زند. زنان و مردان حاشیه‌نشین گروه‌های «پرخطری» هستند که گردانندگان باندها و دسته‌جات تبهکاری به راحتی آنها را شکار می‌کنند و در مسیر امیال شوم خود به کار می‌گیرند. افراد مهاجر و حاشیه‌نشین، وقتی هم در دام قانون اسیر می‌شوند اولین و آخرین

قربانیان هستند که هیچ‌کس به دفاع از آنان بر نمی‌خیزد، اعتصاب و تحصن نمی‌کند و کسی از حقوق به خطر افتاده‌شان دم نمی‌زند. امروزه شاهد این هستیم که بخش اعظم جرایم و تخلفات اعم از سرقت، فروش مواد مخدر و فحشا در این مناطق صورت می‌گیرد؛ زیرا هم بافت فیزیکی این ناحیه به آنها اجازه سکونت می‌دهد و هم هیچ کنترل شدید و دقیقی اعم از عرفی و قانونی بر آنها صورت نمی‌گیرد، یعنی هر دو مورد فوق (بافت و معماری این مناطق و عدم نظارت دقیق انتظامی) عامل مهمی بر رؤیت‌ناپذیری این گروه‌ها هستند. بر اساس آمارهای ارائه‌شده جرایم خشونت‌باری چون اعتیاد، نزاع فردی و دسته‌جمعی، چاقو‌کشی، خرده‌فروشی، قتل و عربده‌کشی بیشترین جرایم حاشیه شهرها را تشکیل می‌دهد.^{۳۴}

۲-۲- رابطه توسعه با حاشیه‌نشینی و جرم

به طور معمول، در کشورهای در حال توسعه به دلیل رشد اقتصادی ناهمگون، وجود چند شهر مرکزی و اصلی و فاصله زیاد بین سطح زندگی مردم شهر با روستاها و تجمع امکانات رفاهی در کلان‌شهرها این پدیده گسترش می‌یابد. آنهایی که دیروز از شهرها و روستاهای دیگر به هزار دلیل کوچ کرده‌اند، امروز در این شهرها ماندگار شده و چنان ریشه دوانده‌اند که دیگر نمی‌توان آنها را نادیده انگاشت. این جریان وقتی شکل نابهنجار به خود می‌گیرد که برنامه‌ریزان شهری برای آنها در طراحی مدل شهر جایی را در نظر نگیرند. تجربه نشان می‌دهد که هر زمان ما در برنامه‌ریزی‌هایمان نگاه نابرابری به تمام مناطق اعم از شهری و روستایی داشته باشیم این معضل گسترش بیشتری می‌یابد. مهم‌ترین هدف یک برنامه‌ریزی، توسعه خوب و توجه به تعادل منطقه‌ای و ایجاد یک توسعه پایدار است. در دنیای امروز کارشناسان اقتصادی و مسائل اجتماعی معتقدند که شرط توفیق در یک برنامه توسعه ایجاد تعادل بین مناطق است و به همین منظور لازم است قبل از اجرای هر برنامه‌ای کشور را از لحاظ جغرافیایی و اقلیمی تقسیم‌بندی کرده، سپس با داشتن نقشه مناطق ترسیم‌شده، ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی هر بخش در نظر گرفته شود تا همه اقشار یک جامعه از مواهب توسعه بهره‌مند شوند.^{۳۵}

۳۴. صالحی امیری و خدایی، پیشین، ۱۰۳.

۳۵. زنجانی، مهاجرت، ۸۱.

۲-۳- فقر اقتصادی و جرم

بین فقر و جرم می‌توان رابطه مستقیمی پیدا کرد، چنانچه افراد فقیر در مقابل افراد ثروتمند قرار داشته باشند، این تفاوت فاحش باعث می‌شود که برخی از افراد کم‌درآمد برای اینکه مانند افراد ثروتمند از زندگی خوبی برخوردار شوند دست به جرم و جنایت می‌زنند، در مواردی هم دیده شده جرایم بزرگی مثل قتل عمد به خاطر به دست آوردن مال بوده که این به دست آوردن مال ناشی از فقر اقتصادی است، بنا به گفته «افلاطون» این همان حسد است که در فرد تشدید شده و مرتکب چنین عملی می‌شود. البته در مواردی هم شخص با آنکه دچار فقر نیست و از طبقات کم‌درآمد هم محسوب نمی‌شود باز هم برای به دست آوردن مال مرتکب جرم و جنایت می‌شود که این امر هم خود مبحثی جدا می‌طلبد. شاید بتوان گفت که در چنین مواردی حرص زیاده‌خواهی افراد است که آنان را وادار می‌کند تا مرتکب جرم شوند، نه فقر آنان. پس اختلاف طبقاتی که بین افراد یک جامعه وجود دارد و تفاوتی که بین فقیر و غنی است خود از عمده عواملی است که اشخاص طبقه پایین را برمی‌انگیزاند تا مرتکب جرم شوند و در ادامه می‌توان گفت که فقر اقتصادی هم یکی از عواملی است که ممکن است باعث بزهکاری شود و ممکن است حتی افراد را به سوی بزهکاری سوق دهد، ولی هیچ‌گاه نمی‌شود گفت افرادی که فقیر هستند حتماً بزهکار هم هستند. ممکن است در بزهکاری برخی از مجرمان اوضاع خاص، اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی، زمان و مکان مؤثر بوده و به واسطه همین عوامل دچار بزه شوند.^{۳۶}

۳- برخی نظریات و تئوری‌های جرم‌شناختی در خصوص تأثیر محیط بر ارتکاب جرم

۳-۱- تئوری دورکیم

دورکیم، علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی جستجو می‌کند و در نهایت عقیده دارد که جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است و بین جرم و فرهنگ محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد. دورکیم با اظهار نظرات خویش راه را برای بررسی محیط‌های متفاوت که در آن مجرمین و غیرمجرمین زندگی می‌کنند، هموار کرد و تحقیقات گسترده‌ای توسط

جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان در خصوص تأثیر محیط بر وقوع جرایم صورت پذیرفت.

۲-۳- تئوری ادوین ساترلند

ادوین ساترلند عقیده دارد اگر فردی در محیط مجاور خود در معرض عوامل جرم‌زا قرار گیرد تا غیرجرم‌زا، شانس و احتمال قانون‌شکنی‌اش افزایش می‌یابد؛ به علاوه ساترلند اظهار می‌نماید که اشخاص در معرض عوامل جرم‌زا واقع می‌شوند که برای سهیم بودن در همان فرهنگ، علایق و عقایدی داشته باشند و در آن اشکال معینی از رفتار ضداجتماعی و جنایی ممکن است مورد اغماض واقع شده و مردم احساس کنند که برای همنوایی به آنها نیاز دارند. در این راستا، پارکر، شاو و مک کی، محققان آمریکایی، ثابت کرده‌اند که در مناطق کثیف (محلات کثیف) همراه با از بین رفتن کنترل‌های اجتماعی که به وسیله آنها مردم به رعایت قیود نیز اعتقاد پیدا می‌کنند، اعمال جنایی به شکل طبیعی جلوه می‌کند.

۳-۳- مکتب محیط اجتماعی و فرهنگی

لاکاسانی و مانووریه منشأ تبهکاری را در تأثیرات فرهنگی و اجتماعی یافته‌اند. طبق نظریه مکتبی که لاکاسانی پایه‌گذار آن است مجرم یک بیچاره نظام اجتماعی است و نقص سازمان اجتماعی او را جنایتکار کرده است. به عقیده ایشان بزهکار یک میکروب اجتماعی است و هر میکروب در محیط خاصی رشد و نمو می‌نماید و وجود شرایط مساعد در محیط، موجب رشد و ظهور تبهکاری می‌گردد. لاکاسانی می‌گوید: «هر جامعه‌ای دارای تبهکاران مخصوص به خود است و تبهکاران مولود اجتماع خود هستند و اگر محیط اجتماعی، آمادگی برای پروراندن مجرم نداشته باشد، فعالیت آنها عقیم می‌ماند.»

۴-۳- نظریه مرتن

مرتن مفهوم نظریه دورکیم را ماهرانه مورد بررسی مجدد قرار داده و عقیده دارد که اگر از لحاظ فرهنگی اهداف تجویز شده برای فرد غیرقابل حصول گردد (همچنان که برای بیشتر افراد جوان و طبقه کارگر و طبقه پایین پیش می‌آید) بین آنچه برای به ایده‌آل بودن پایدار می‌ماند و آنچه قابل حصول است، اختلاف حاصل می‌شود و نتیجه آن به سرخوردگی و سرکشی بعدی منجر می‌شود.

۳-۵- تحقیقات مرکز جرم‌شناسی پاریس

تحقیقات متخصصان این مرکز نشان می‌دهد که ۲۳ درصد جوانان مجرم در مناطقی زندگی کرده‌اند که دارای جمعیت زیاد بوده و ۲۲ درصد آنها در ساختمان‌هایی زندگی کرده‌اند که علاوه بر کثرت جمعیت، مشکل مسکن نیز وجود داشته است. دکتر لایون و خانم میشو در سال ۱۹۷۶ تحقیقاتی در شهر گرونوبل فرانسه انجام داده و به روشنی مشخص کرده‌اند که اطفال بزهکار بیشتر در ساختمان‌های ناسالم و برخی از محلاتی که برای سلامتی اخلاق زیان‌آور است، زندگی کرده‌اند. این تحقیقات نشان می‌دهد که بزهکاری جوانان در این محلات و ساختمان‌های مخروبه از حد متوسط مجموع بزهکاری شهرها زیاد بوده است. در واقع ۱۸ درصد بزهکارانی که جرایم گوناگونی مرتکب شده‌اند اغلب در محله‌های مخروبه و ناسالم ساکن بوده و ۳۵ درصد آنها کسانی بودند که در ساختمان‌ها و محلات بدنام و فاسد ساکن بودند. این پژوهشگران نهایتاً رابطه محیط سکونت و بزهکاری را تأیید می‌نمایند.

۳-۶- دیدگاه‌های ساختارگرا

نظریه‌پردازان در این دیدگاه اساساً متوجه ساختار و ریشه‌های پدیده حاشیه‌نشینی‌اند و بیش از هر چیز آن را به «سازوکارهای نظام سرمایه‌داری» و پیامدهای شکل خاصی از آن در برخورد با شرایط ویژه کشورهای جهان سوم نسبت می‌دهند. بر اساس این دیدگاه، شکل شهرنشینی، الگوی توسعه اقتصادی - اجتماعی و در نتیجه «الگوی توسعه شهری» زمینه‌ساز این پدیده است و با تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در یک یا چند شهر اصلی و فقدان سلسله‌مراتب در نظام شهری و سکونتگاهی و در نتیجه فاصله عمیق شهر و روستا مهاجرت‌های گسترده روستا به شهر را برانگیخته که این امر در برخورد با زیرساخت‌ها و شیوه‌های تولید شهرهای جهان سوم منجر به شکل‌دهی پدیده حاشیه‌نشینی می‌شود. این دیدگاه، راه‌حل‌ها و راهکارهای لازم برای ساماندهی و بهسازی زندگی و سکونت در کانون‌های حاشیه‌نشین را ارائه نمی‌کند، بلکه غالباً تنها راه‌حل مسئله را در تغییر ساختار حاکم بر کار، تولید، توزیع و مصرف و در مجموع ساخت اقتصادی و نیز تغییر بنیادین جوامع می‌بیند. آنها نسخه‌های مقطعی و موردی را فاقد کارایی لازم می‌دانند. آنها مسئله را به هیچ‌وجه کج‌روی از دامنه نظم اجتماعی مسلط ندانسته و بلکه بر ارتباط تنگاتنگ بین نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه و شکل‌گیری این سکونتگاه تأکید دارند.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش پیمایشی است. در قسمت ادبیات نظری، از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده که با ابزار اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری اطلاعات انجام گردیده است؛ اما روش اصلی غالب، پیمایشی بوده که متداول‌ترین روش در پژوهش‌های کمی است. شیوه گردآوری داده‌ها و روش تحلیل آنها از ویژگی‌های بارز پیمایش هستند. این پژوهش از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد و از جنبه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی - پیمایشی است. متغیر مستقل در این پژوهش، حاشیه‌نشینی است و متغیرهای وابسته عبارتند از: اعتقاد به هنجارها، نابسامانی خانواده، توجیه اعمال مجرمانه، نابسامانی محل سکونت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و سابقه محکومیت حاشیه‌نشینان؛ در واقع حاشیه‌نشینی، علت و عامل بروز ناهنجاری‌ها می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش که ساکنان منطقه حاشیه‌نشین دولت‌آباد شهر کرمانشاه را دربر می‌گیرد، شامل ۲۳۳۹۱ نفر می‌باشد که پس از جای‌گذاری آن در فرمول کوکران حجم نمونه ۱۷۱ نفری به دست آمده است. روش گردآوری اطلاعات، میدانی است و این اطلاعات با استفاده از ابزار پرسش‌نامه (که محقق ساخته بوده) و فیش‌برداری و منابع کتابخانه‌ای تهیه گردیده است.

یافته‌های پژوهش:

الف) یافته‌های توصیفی

جدول شماره یک: فراوانی برحسب جنسیت پاسخگویان

درصد	فراوانی	
۴۹,۷	۸۵	مرد
۵۰,۳	۸۶	زن
۱۰۰	۱۷۱	کل

جدول شماره دو: فراوانی برحسب وضعیت تأهل پاسخگویان

درصد	فراوانی	
۳۱	۵۳	متأهل
۲۶,۹	۴۶	مجرد
۲۲,۸	۳۹	مطلقه
۱۵,۸	۲۷	فوت همسر

درصد	فراوانی	
۳,۵	۶	رهاشده
۱۰۰	۱۷۱	کل

جدول شماره سه: فراوانی برحسب سن پاسخگویان

درصد	فراوانی	
۱۱,۷	۲۰	کمتر از ۲۰ سال
۲۲,۲	۳۸	۲۱ تا ۲۵ سال
۸,۸	۱۵	۲۶ تا ۳۰ سال
۲۴,۶	۴۲	۳۱ تا ۳۵ سال
۵,۸	۱۰	۳۶ تا ۴۰ سال
۲۱,۱	۳۶	۴۱ تا ۴۵ سال
۵,۸	۱۰	۴۶ تا ۵۰ سال
۱۰۰	۱۷۱	کل

جدول شماره چهار: فراوانی برحسب میزان تحصیلات پاسخگویان

درصد	فراوانی	
۲۱,۱	۳۶	ابتدایی یا کم‌سواد
۴۲,۱	۷۲	راهنمایی
۲۶,۳	۴۵	دیپلم
۴,۷	۸	فوق دیپلم
۵,۸	۱۰	لیسانس و بالاتر
۱۰۰	۱۷۱	کل

جدول شماره پنج: فراوانی برحسب میزان درآمد ماهیانه پاسخگویان

درصد	فراوانی	
۳۳,۹	۵۸	کمتر از ۲۰۰ هزار تومان
۱۹,۳	۳۳	۲۰۱ تا ۳۰۰ هزار تومان
۲۱,۶	۳۷	۳۰۱ تا ۴۰۰ هزار تومان
۱۵,۸	۲۷	۴۰۱ تا ۵۰۰ هزار تومان
۹,۴	۱۶	بیشتر از ۵۰۰ هزار تومان
۱۰۰	۱۷۱	کل

جدول شماره شش: فراوانی برحسب نوع منزل مسکونی پاسخگویان

درصد	فراوانی	
۲۸,۱	۴۸	استیجاری
۳۰,۴	۵۲	رهنی
۴۱,۵	۷۱	شخصی
۱۰۰	۱۷۱	کل

جدول شماره هفت: فراوانی برحسب شغل پاسخگویان

درصد	فراوانی	
۲۴	۴۱	خانه‌دار
۲۲,۸	۳۹	بیکار
۲۷,۵	۴۷	کارگر
۱۶,۴	۲۸	آزاد
۹,۴	۱۶	کارمند (بخش خصوصی)
۱۰۰	۱۷۱	کل

جدول شماره هشت: فراوانی برحسب تعداد اعضای خانواده پاسخگویان

درصد	فراوانی	
۴,۱	۷	۳ نفره
۲۲,۲	۳۸	۴ نفره
۳۲,۲	۵۵	۵ نفره
۱۵,۸	۲۷	۶ نفره
۲۵,۷	۴۴	بیشتر از ۶ نفر
۱۰۰	۱۷۱	کل

جدول شماره نه: آمارهای پراکندگی مرکزی از متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
اعتقاد به هنجارها	۲,۲۰	۰,۳۲
نابسامانی خانواده	۳,۱۵	۰,۶۶
نابسامانی محل سکونت	۳,۶۹	۰,۱۵
توجیه اعمال مجرمانه	۳,۳۸	۰,۳۱

با توجه به جدول فوق، میانگین اعتقاد به هنجارها در جامعه آماری برابر با ۲,۲۰ می‌باشد که میانگین اکتسابی این متغیر پایین‌تر از حد متوسط (۳) به دست‌آمده است. همچنین میانگین اکتسابی نابسامانی خانواده، نابسامانی محل سکونت و توجیه اعمال مجرمانه همگی بالاتر از حد متوسط (۳) گزارش شده است؛ بنابراین می‌توان دریافت که بیشترین میانگین در بین متغیرهای مطرح‌شده در این پژوهش، به ترتیب مختص به نابسامانی محل سکونت، توجیه اعمال مجرمانه، نابسامانی خانواده و اعتقاد به هنجارها می‌باشد.

ب) یافته‌های استنباطی

جدول شماره ده: آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیرها	سطح معناداری آزمون کولموگروف
اعتقاد به هنجارها	۰,۵۰
ناابسامانی خانواده	۰,۱۳
ناابسامانی محل سکونت	۰,۲۲
توجیه اعمال مجرمانه	۰,۳۳

این آزمون به مقایسه تابع توزیع تجمعی مشاهده‌شده با تابع توزیع تجمعی نظری (مورد انتظار) در یک متغیر رتبه‌ای می‌پردازد. به عبارتی در این آزمون، توزیع یک صفت در یک نمونه با توزیعی که برای آن در جامعه مفروض است، مقایسه می‌شود. چنانچه سطح معناداری در این آزمون از ۰/۰۵ بزرگ‌تر باشد، می‌توان استنباط نمود که توزیع نرمال است. با توجه به آزمون فوق و سطح معناداری همه متغیرها که بیشتر از ۰/۰۵ است، استنباط می‌شود که همه متغیرها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی فرضیه‌ها

«به نظر می‌رسد، میانگین اعتقاد به هنجارها در بین حاشیه‌نشینان در حد متوسط می‌باشد.»

جدول شماره یازده: جدول آمارهای توصیفی

متغیر مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد
اعتقاد به هنجارها	۱۷۱	۲,۲۰	۰,۳۲	۰,۰۲

جدول شماره دوازده: آزمون t تک نمونه‌ای

متغیر مورد بررسی	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
اعتقاد به هنجارها	۳۱,۵۹	۱۷۰	۰,۰۰۱	۰,۷۹

با توجه به آزمون تی تک نمونه‌ای، چون مقدار سطح معناداری، در جدول آزمون t برابر با ۰/۰۰۰۱ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچک‌تر است و به عبارت دیگر چون مقدار آماره t برابر با (۳۱,۵۹) و بزرگ‌تر از مقدار (۱/۹۶) می‌باشد، فرضیه فوق تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میانگین اعتقاد به هنجارها در بین حاشیه‌نشینان پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد. جدول آمار توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با ۲/۲۰ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف ۰/۷۹ پایین‌تر از حد متوسط گزارش شده است.

آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی فرضیه‌ها

«به نظر می‌رسد، میانگین نابسامانی خانواده در بین حاشیه‌نشینان در حد متوسط می‌باشد.»

جدول شماره سیزده: آمارهای توصیفی

متغیر مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد
نابسامانی خانواده	۱۷۱	۳,۱۵	۰,۶۶	۰,۰۵

جدول شماره چهارده: آزمون t تک نمونه‌ای

متغیر مورد بررسی	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
نابسامانی خانواده	۳,۰۹	۱۷۰	۰,۰۰۲	۰,۱۵

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون t برابر با ۰/۰۰۲ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچک‌تر است و به عبارت دیگر چون مقدار آمار تی برابر با (۳,۰۹) و بزرگ‌تر از مقدار (۱/۹۶) می‌باشد، فرضیه فوق تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نابسامانی خانواده در بین حاشیه‌نشینان بالاتر از حد متوسط می‌باشد. جدول آمار توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با ۳/۱۵ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف ۰/۱۵ پایین‌تر از حد متوسط گزارش شده است.

آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی فرضیه‌ها

«به نظر می‌رسد، میانگین توجیه اعمال مجرمانه در بین حاشیه‌نشینان در حد متوسط

می‌باشد.»

جدول شماره پانزده: آمارهای توصیفی

متغیر مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد
توجیه اعمال مجرمانه	۱۷۱	۳,۳۸	۰,۳۱	۰,۰۴

جدول شماره شانزده: آزمون t تک نمونه‌ای

متغیر مورد بررسی	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
توجیه اعمال مجرمانه	۹,۱۲	۱۷۰	۰,۰۰۰۱	۰,۳۸

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون t برابر با $0/0001$ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری $0/05$ کوچک‌تر است و به عبارت دیگر چون مقدار آمار تی برابر با $(9,12)$ و بزرگ‌تر از مقدار $(1/96)$ می‌باشد، فرضیه فوق تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میانگین توجیه اعمال مجرمانه در بین حاشیه‌نشینان بالاتر از حد متوسط می‌باشد. جدول آمار توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با $3/38$ می‌باشد که از میانگین جامعه (3) با اختلاف $0,38$ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی فرضیه‌ها

«به نظر می‌رسد، میانگین نابسامانی محل سکونت در بین حاشیه‌نشینان در حد متوسط می‌باشد.»



جدول شماره هفده: آمارهای توصیفی

متغیر مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد
نابسامانی محل سکونت	۱۷۱	۳,۶۹	۰,۱۵	۰,۰۲

جدول شماره هیجده: آزمون t تک نمونه‌ای

متغیر مورد بررسی	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
نابسامانی محل سکونت	۱۰٫۵۷	۱۷۰	۰٫۰۰۰۱	۰٫۶۹

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول آزمون t برابر با $0/0001$ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری $0/05$ کوچک‌تر است و به عبارت دیگر چون مقدار آمار تی برابر با $(10,57)$ و بزرگ‌تر از مقدار $(1/96)$ می‌باشد، فرضیه فوق تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نابسامانی محل سکونت در بین حاشیه‌نشینان بالاتر از حد متوسط می‌باشد. جدول آمار توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با $3/69$ می‌باشد که از میانگین جامعه (3) با اختلاف $0/69$ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است.

آزمون ضریب همبستگی پیرسون و نمودار پراکندگی برای بررسی فرضیه‌ها
 «به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی حاشیه‌نشینان و اعتقاد به هنجارها رابطه وجود دارد.»

جدول شماره نوزده: آزمون ضریب همبستگی پیرسون

متغیر مورد بررسی	تعداد	ضریب پیرسون	سطح معناداری
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۱۷۱	-۰٫۴۷	۰/۰۰۰۱
اعتقاد به هنجارها	۱۷۱		

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول پیرسون برابر با $0/0001$ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری $0/05$ کوچک‌تر است، پس فرضیه فوق تأیید می‌شود. مقدار ضریب همبستگی این دو متغیر منفی بوده و برابر با $0/47$ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر از شدت همبستگی مناسبی برخوردارند و همچنین با توجه به شیب خط رگرسیون در نمودار پراکندگی نیز می‌توان چنین استنباط نمود که هرچه پایگاه اجتماعی - اقتصادی حاشیه‌نشینان افزایش یابد از اعتقاد به هنجارها در آنان کاسته خواهد شد.^{۳۷}

۳۷. جامعه آماری این پژوهش، ساکنان منطقه حاشیه‌نشین دولت آباد شهر کرمانشاه می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل ۲۳۳۹۱ نفر از ساکنان (لازم به توضیح است که در علم آمار واژه «افزایش» در مواردی به کار می‌رود که موضوعی وجود داشته و مورد بررسی قرار گرفته است. حال آنکه واژه «ارتقاء» درباره موضوعاتی است که وجود نداشته‌اند و در واقع پیشنهاد می‌شوند) نطقه حاشیه‌نشین دولت آباد در

آزمون ضریب همبستگی پیرسون و نمودار پراکندگی برای بررسی فرضیه‌ها
 «به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی حاشیه‌نشینان و نابسامانی خانواده رابطه وجود دارد.»

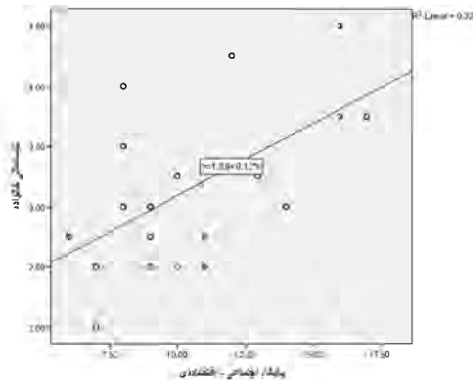
جدول شماره بیست: آزمون ضریب همبستگی پیرسون

متغیر مورد بررسی	تعداد	ضریب پیرسون	سطح معناداری
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۱۷۱	۰/۵۷	۰/۰۰۰۱
نابسامانی خانواده	۱۷۱		

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری در جدول پیرسون برابر با $0/0001$ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری $0/05$ کوچک‌تر است، پس فرضیه فوق تأیید می‌شود. مقدار ضریب همبستگی این دو متغیر منفی بوده و برابر با $0/57$ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر از شدت همبستگی مناسبی برخوردارند و همچنین با توجه به شیب خط رگرسیون در نمودار پراکندگی نیز می‌توان چنین استنباط نمود که هرچه پایگاه اجتماعی - اقتصادی حاشیه‌نشینان افزایش یابد، نابسامانی خانواده در آنان افزایش خواهد داشت.



شهر کرمانشاه می‌باشد که پس از جای‌گذاری آن در فرمول کوکران حجم نمونه ۱۷۱ نفری به دست آمده است.



آزمون ضریب همبستگی پیرسون و نمودار پراکندگی برای بررسی فرضیه‌ها «به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی حاشیه‌نشینان و توجیه اعمال مجرمانه رابطه وجود دارد.»

جدول شماره بیست و یک: آزمون ضریب همبستگی پیرسون

متغیر مورد بررسی	تعداد	ضریب پیرسون	سطح معناداری
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۵۵	۰/۷۷	۰/۰۰۰۱
توجیه اعمال مجرمانه	۵۵		

با توجه به آزمون فوق، چون مقدار سطح معناداری در جدول پیرسون برابر با ۰/۰۰۰۱ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچک‌تر است پس فرضیه فوق تأیید می‌شود. مقدار ضریب همبستگی این دو متغیر منفی بوده و برابر با ۰/۷۷ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر از شدت همبستگی قوی و مناسبی برخوردارند و همچنین با توجه به شیب خط رگرسیون در نمودار پراکندگی نیز می‌توان چنین استنباط نمود که هرچه پایگاه اجتماعی - اقتصادی حاشیه‌نشینان افزایش یابد میزان توجیه اعمال مجرمانه آنان افزایش خواهد داشت.

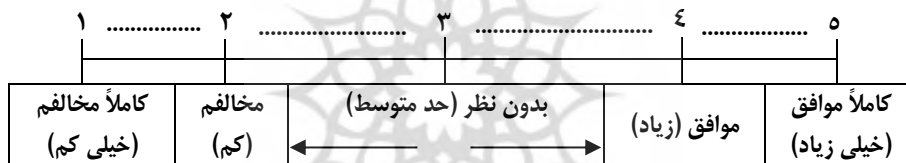
آزمون تی تک نمونه‌ای مستقل برای بررسی متغیرهای پژوهش در بین افراد باسابقه و بدون سابقه جرم

آماره‌ها				متغیرهای پژوهش	
نتیجه آزمون	سطح معناداری	میانگین	تعداد		
دارای تفاوت معنادار	۰/۰۳	۱۰/۳۰	۱۰۲	سابقه محکومیت	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
		۱۱/۳۹	۲۱۲	عدم سابقه محکومیت	
دارای تفاوت	۰/۰۲	۱۷/۸۵	۱۰۲	سابقه محکومیت	ناپسامانی محل

معنادر		۱۵/۰۵	۲۱۲	عدم سابقه محکومیت	سکونت
دارای تفاوت معنادر	۰/۳۴	۱۲/۳۳	۱۰۲	سابقه محکومیت	اعتقاد به هنجارها
		۱۱/۱۰	۲۱۲	عدم سابقه محکومیت	
دارای تفاوت معنادر	۰/۰۴	۱۱/۹۷	۱۰۲	سابقه محکومیت	نابسامانی خانواده
		۱۰/۳۲	۲۱۲	عدم سابقه محکومیت	

با توجه به جدول تی تک مستقل و سطوح معنادر آن می‌توان نتیجه گرفت که کلیه متغیرهای این پژوهش در بین دو گروه از افراد با سابقه جرم و بدون سابقه جرم دارای تفاوت معنادر می‌باشد.

(طیف لیکرت)



نتیجه‌گیری - نتایج آمار استنباطی

این پژوهش، در پاسخ به شش سؤال صورت پذیرفته است، پس از تجزیه و تحلیل آماری پرسش‌نامه‌ها با نرم‌افزار SPSS۲۲ نتیجه آن به شرح ذیل می‌باشد:

نتیجه سؤال اول: با توجه به آزمون تی تک نمونه‌ای، میانگین اعتقاد به هنجارها در بین حاشیه‌نشینان پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد. میانگین اکتسابی نمونه برابر با ۲/۲۰ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف ۰/۷۹ پایین‌تر از حد متوسط گزارش شده است؛ بنابراین فرضیه اول تأیید می‌گردد؛

نتیجه سؤال دوم: با توجه به آزمون تی تک نمونه‌ای که برای بررسی این فرضیه استفاده شده است میانگین نابسامانی خانواده در بین حاشیه‌نشینان بالاتر از حد متوسط می‌باشد. میانگین اکتسابی نمونه برابر با ۳/۱۵ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف ۰/۱۵ پایین‌تر از حد متوسط گزارش شده است؛ بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌گردد؛

نتیجه سؤال سوم: با توجه به آزمون تی تک نمونه‌ای که برای بررسی این فرضیه استفاده

شده است میانگین توجیه اعمال مجرمانه در بین حاشیه‌نشینان بالاتر از حد متوسط می‌باشد. میانگین اکتسابی نمونه برابر با $3/38$ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف $0/38$ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است؛ بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌گردد؛ نتیجه سؤال چهارم: با توجه به آزمون تی تک نمونه‌ای، میانگین نابسامانی محل سکونت در بین حاشیه‌نشینان بالاتر از حد متوسط می‌باشد. میانگین اکتسابی نمونه برابر با $3/69$ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف $0/69$ بالاتر از حد متوسط گزارش شده است؛ بنابراین فرضیه چهارم تأیید می‌گردد؛

نتیجه سؤال پنجم: با توجه به آزمون ضریب همبستگی پیرسون، هرچه پایگاه اجتماعی - اقتصادی حاشیه‌نشینان افزایش یابد میزان توجیه اعمال مجرمانه آنان افزایش خواهد داشت؛ بنابراین فرضیه پنجم تأیید می‌گردد؛

نتیجه سؤال ششم: با توجه به آزمون تی نمونه‌های مستقل، بین سابقه محکومیت ساکنین مناطق حاشیه‌نشین با متغیرهای اعتقاد به هنجارها، نابسامانی خانواده، توجیه اعمال مجرمانه، نابسامانی محل سکونت رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین فرضیه ششم تأیید می‌گردد.

پیشنهاد‌های کاربردی

سیاست‌ها و اقدامات پیشگیرانه‌ای که اتخاذ آن در مناطق حاشیه‌نشین به سلامت محیط اجتماعی این مناطق و کاهش نرخ جرم و آسیب‌های اجتماعی می‌انجامد، عبارتند از:

- بهسازی و نوسازی بافت‌های روستایی با هدف کاهش انگیزه مهاجرت از روستا به شهر؛
- کنترل رشد جمعیت و ساماندهی آن؛
- اصلاح ساختار نظام شهری و رفع کاستی‌های موجود در قوانین و نهادهای برنامه‌ریزی؛
- ارتقای کیفیت و سطح خدمات‌رسانی به گروه‌های آسیب‌پذیر و اقشار کم‌درآمد؛
- ساماندهی وضع اشتغال و رفع بیکاری ساختاری حاشیه‌نشینان؛
- ارتقای نرخ سواد و فرهنگ شهرنشینی ساکنین محلات حاشیه‌نشین؛
- توزیع عادلانه امکانات و خدمات بین شهروندان و حاشیه‌نشینان؛

- جلوگیری از تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در شهرها و انتقال آن به شهرهای کوچک و مناطق دیگر؛
 - کاهش ضریب احساس محرومیت در میان حاشیه‌نشینان؛
 - ساماندهی محلات حاشیه‌نشینی با محوریت رفع محرومیت‌ها و فرهنگ فقر حاکم بر آن؛
 - جلوگیری از گسترش ساخت‌وسازهای غیرمجاز در مناطق حاشیه‌ای شهر؛
 - افزایش شدید تدابیر امنیتی و نظارتی بر خرید و فروش سلاح و پول تقلبی و رسیدگی مستمر نهادهای ذی‌ربط برای حفظ امنیت ملی؛
 - توانمندسازی محلات حاشیه‌نشینی و اجرای طرح واکسیناسیون محیطی و اجتماعی در مقابل جرم و آسیب‌های اجتماعی، تأمین امنیت و عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و فرهنگی در بین قشرهای مختلف جامعه و مناطق مختلف کشور؛
- به رسمیت شناختن حقوق حاشیه‌نشینان در برنامه‌ریزی‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، بازمهندسی محلات حاشیه‌نشین، توانمندسازی، ارتقای سطح دسترسی به خدمات اجتماعی و تحقق استراتژی توسعه پایدار درون‌زای شهری.

فهرست منابع

- احمدیان، محمدعلی. «حاشیه‌نشینی، ریشه‌ها و راه‌حل‌ها». *مجله اندیشه حوزه* ۴۳ و ۴۴ (۱۳۸۲): ۹۵-۷۹.
- افتخاری‌راد، زهرا. «چهره‌نمایی از بافت‌های اسکان غیر رسمی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن». مقاله ارائه‌شده در سمینار سمپوزیوم حاشیه‌نشینی و اسکان، تهران، ۱۶ اسفند ۱۳۸۰.
- بیک‌زاده شکویی، حسین. «حاشیه‌نشینان شهر تبریز». *مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز* ۸ (۱۳۵۵): ۸۳-۶۱.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. *نظریه‌های شهر و پیرامون*. تهران: سمت، ۱۳۹۲.
- پیران، پرویز. «شهرنشینی شتابان و ناهمگون». *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی* ۱۸ (۱۳۶۷): ۳۵-۳۲.
- جمالی، فیروز. «مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز* ۱۸۲ (۱۳۸۱): ۷۰-۶۱.
- خاتم اعظم، کمال اطهری. *مدیریت یکپارچه و حل مسئله اسکان غیر رسمی*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۶.
- دهقان، علیرضا. «بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی آلونک‌نشینان». *طرح پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس* ۱۹ (۱۳۶۸): ۵۰-۳۳.
- رضایی، سلیمان. «تحولات شهر و شهرنشینی در کرمانشاه با تأکید بر حاشیه‌نشینی». *طرح پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی* ۲۸ (۱۳۷۴): ۶۰-۴۷.
- رفیع‌پور، فرامرز. *توسعه و تضاد*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
- زاهد زاهدانی، سید سعید. «حاشیه‌نشینی». *نشر دانشگاه شیراز* ۲۱ (۱۳۶۹): ۲۴-۱۷.
- زنجانی، حبیب‌اله. «جمعیت تهران و آینده آن». *روزنامه اطلاعات*، ۱۶ فروردین ۱۳۷۲.
- زنجانی، حبیب‌اله. *مهاجرت*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱.
- سروری، سعید. «بررسی علل رشد حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی در شهرستان مشهد». پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۶.
- شکوهی، حسین. *جغرافیای اجتماعی شهرها*. تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵.
- شیخاوندی، داور. «حاشیه‌نشینی ۲». *انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش* ۹۸ (۱۳۸۲): ۲۲-۲۱.
- صالحی امیری، سید رضا، و زهرا خدایی. *حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی*. تهران: نشر ققنوس، ۱۳۹۲.
- صرافی، مظفر. «امید و ناامیدی در سکونتگاه‌های غیررسمی». *فصلنامه رفاه اجتماعی* ۲۶ (۱۳۸۶): ۱۸-۱۱.
- صرافی، مظفر. «به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیر رسمی». *مجله سازمان عمران و بهسازی شهری* ۸ (۱۳۸۱): ۲۲-۱۷.
- عبادین درکوش، سعید. *درآمدی بر اقتصاد شهری*. ویراستار آذرمیدخت جلیل‌نیا. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.

- علمی یزدی، محمدتقی. «مقایسه نگرش‌های نوجوانان بزهکار با نوجوانان سازگار در استان یزد». مجله کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی ۵ و ۶ (۱۳۸۲): ۱۶۹-۱۶۱.
- مثنوی، عطاءالله. «حاشیه‌نشینی یک معضل اجتماعی». مقاله ارائه‌شده در همایش حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی، تهران، دوم شهریور ۱۳۸۰.
- محسنی، رضاعلی. «مطالعه و بررسی مناطق حاشیه‌نشین گرگان و شیوه‌های توانمندسازی آن». شهرداری گرگان و استانداری گلستان ۶ (۱۳۸۷): ۲۰-۱۷.
- نقدی، اسداله. حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی. تهران: انتشارات فن‌آوران - مهرآزان، ۱۳۸۶.
- هادی‌زاده، مریم. حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، نشر تیهو، ۱۳۸۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Study of Marginalization's Impact of Crime (Marginalization Districts of Dowlat Abad in the Kermanshah)

Dr. Tahmoores Bashirie

The Faculty Member of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Email: t.bashiriyeh@atu.ac.ir

&

Mohammad Saeed Mozafari

MA in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Iran

Email: saeedmozafari866@gmail.com

Marginalization is a part of a city development forming by low income citizens and rural migrants without planning, control and observation of regulations. The rate of crime in such districts seems high. The cause of that seems to be some factors including the high rate of population, increasing poverty, the high rate of poverty, social break down and structure failure as well as releasing from social control and public opinion.

The present research is an applied type and the material employed is a thesis questionnaire. The purpose of this essay is to find the correlation between marginalization and crime. For obtaining this goal 171 samples from Dowlat Abad of Kermanshah have been studied.

The stability of results has been checked by Alpha Cronbach test and verified. Data analyzing has been done by Titik test and Pearson assessments. The findings suggest a correlation between marginalization and crime. The family and residency confusion, in addition are high in this district and the belief to society's norms and justifying are high, as well.

Keywords: Marginalization, Justifying Crimes, Disturbance.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VI, No. 1

2018-1

- **Reflections on the Criminalization of Use of Chemical Weapons and ICC's Jurisdiction Ratione Temporis on this Crime in the light of the Iraq - Iran War**
Dr. Mahdi Abdulmaleki & Dr. Seyed Ghasem Zamani
- **Criminological Investigation of Violence by Football Fans**
Majid Aghaee & Dr. Ali saffari
- **Assessing the Effectiveness of Psychodrama on Decreasing Aggression of Children (Using Psychodrama instead of Classical Methods of Punishing Violent Behaviors)**
Dr. Mohammad Ashouri & Elmira Soleimany Savad Roubary
- **Interim Order in Criminal Matters**
Dr. Mansour Rahmdel
- **Iran's Judicial Criminal Policy on Alternatives to Imprisonment**
Dr. Hossein Gholami & Davood Khaksar
- **The Study of Marginalization's Impact of Crime (Marginalization Districts of Dowlat Abad in the Kermanshah)**
Dr. Tahmoores Bashirie & Mohammad Saeed Mozafari
- **Using Cultural Criminology in Analysis Minor and Juvenile Delinquency by Relay on Carnival, Adrenalin and Second Life Concepts**
Dr. Sara Aghaei



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study